انترناسیونال ٧٤٤

گفتگوی نسرین رمضانعلی با محمد آسنگران

**وضعیت در کردستان عراق**

**نسرین رمضانعلی :** ریشه و بستر اعتراضات مردم کردستان عراق چیست؟ وضعیت اقلیم کردستان عراق پس از اعتراضات گسترده ای که در سلیمانیه و شهرهای دیگری به وقوع پیوست چگونه است؟ این تقابل و رویارویی مردم با حاکمین چه تاثیراتی را به جا گذاشته است؟

**محمد آسنگران:** ابتدا لازم است بگویم مردم دل خوشی از هیچ کدام از احزاب پارلمانی اقلیم کردستان ندارند. بی لیاقتی و فساد همه آنها را دیده و به آن معترض اند. اعتراض مردم به حاکمان کردستان عراق ناشی از نفرت و خشم بر حقی است که شامل همه احزاب پارلمانی و حکومتی این منطقه میشود. زیرا مردم در بیست و شش سال گذشته با تجربه خود دریافتند که احزاب ناسیونالیستی و اسلامی کردستان عراق فقط به فکر دزدی و چپاول بوده اند. مردم در عمل به این تجربه رسیدند و متوجه شدند که سران و نزدیکان این احزاب حاکم اکثرا دزد و فاسد و چپاولگرند. چند صد نفری از مقامات این احزاب و نزدیکانشان به میلیونر و میلیاردر تبدیل شده اند و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان کردستان عراق حتی از آب و برق که ابتدایی ترین نیاز زندگی است محروم هستند. فقر و بیکاری و بی آیندگی و بی قانونی و حاکمیت احزاب و نه حتی دولت، مردم را بیش از پیش در تنگنا قرار داده بود. علاوه بر این فاکتورهای اصلی اتفاقات دیگری در عراق افتاد که بحران و نارضایتی مردم را وسیعتر کرد.

از سال ٢٠١٣ به بعد اختلافات و سهم خواهی بورژوازی عرب و کرد تنشی را ایجاد کرد که شکاف آنها را بیش از پیش برجسته کرد. در سال ٢٠١٤ بودجه ارسالی کردستان عراق از بغداد که شامل ١٧ درصد از کل بودجه عراق میشد از طرف نوری مالکی قطع شد. داعش بخش وسیعی از عراق را تصرف کرد، اوضاع کردستان عراق بحرانی تر و آینده آن تاریکتر شد. جنگ با داعش برای مدتی موقت تنش بغداد و کردستان را تخفیف داد، اما بورژوازی کرد از راه نیروی نظامی تلاش کرد مناطق مورد مناقشه حکومت اقلیم و بغداد را به نفع خود یکسره کند. در شرایطی که ارتش عراق در سال ٢٠١٤به هزیمت افتاده بود و داعش در حال پیشروی به دروازه های بغداد بود تقریبا تمام مناطق کردنشین مورد مناقشه اقلیم و بغداد که شامل قانون ١٤٠ میشد به تصرف نیروهای پیشمرگ در آمد. در چنین شرایطی تمام نفت استخراجی از چاههای نفت کرکوک و دیگر مناطق کردستان بوسیله حکومت اقلیم بفروش میرفت، اما همزمان به بهانه جنگ با داعش و قطع بودجه کردستان از طرف بغداد، حقوق کارمندان دولت و همه حقوق بگیران چند ماه پرداخت نشد و تصمیم گرفتند فقط ٢٥ درصد از حقوقها را پرداخت کنند. این شرایط زندگی مردم را با فشارهای غیر قابل تحملی مواجه کرد.

بورژوازی کرد میدانست که بعد از داعش این پیروزی و دستاورد از جانب بورژوازی عرب به چالش طلبیده خواهد شد و این تحول برای او قابل هضم نیست. به همین دلیل بورژوازی کرد مسئله رفراندوم و استقلال کردستان که یک خواست عمومی مردم بود و سالها آنرا نادیده گرفته بودند را به اجرا گذاشت که از این طریق بتواند هم صف بورژوازی کرد را متحد کند و هم بغداد را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهد.

اما حسابگری بورژوازی کرد این بار هم اشتباه بود زیرا نه صف بورژوازی کرد در کردستان عراق چنان متحد بود که شکاف نخورد و نه متحدین منطقه ای و جهانی آن با استراتژی سیاسی استقلال کردستان عراق در این مرحله رضایت دادند. این دو فاکتور بعلاوه نارضایتی و اعتراض مردم باعث شد صف بورژوای کرد از درون متلاشی بشود. اتفاقات ١٦ اکتبر (همپیمانی خانواده طالبانی با بغداد و جمهوری اسلامی علیه رقبای خود در اقلیم) و تحویل کرکوک به نیروهای حشد شعبی و ارتش عراق و به دنبال آن تصرف دوباره تمام مناطق مورد مناقشه بوسیله دولت بغداد ضربه کشنده ای بود که به حکومت اقلیم وارد آمد. بعد از این تحولات احزاب ناسیونالیست و اسلامی کردستان عراق بیش از پیش متفرق شدند و در جبهه های متفاوت منطقه ای قرار گرفتند.

بخشی از بورژوازی کرد در اتحادیه میهنی و مناطق تحت حاکمیت این حزب در استان سلیمانیه از سهم خود راضی نبود و برای دست رسی به سهم بیشتر امید خود را به کمک دولت بغداد و سپاه پاسداران گره زده است. اعتراضات اخیر بدون شک ادامه دار خواهد بود و مردم به این همه فقر و فلاکت و نابرابری رضایت نخواهند داد.

مهمترین نکته البته این است که اعتراضات اخیر با اعتراضات دوره های قبل متفاوت است. این بار مردم بدون ابهام خواهان رفتن این حکومت هستند و با بلند کردن شعار "ارحل" (بروید) میخواهند از دست همه آنها رها بشوند.

**نسرین رمضانعلی:** دولت کردستان در چه موقعیتی قرار دارد؟ رابطه احزاب با مردم و رابطه بین احزاب در قدرت و از جمله تناسب قدرت در پارلمان کردستان به چه ترتیب است؟

**محمد آسنگران:** اکنون حزب گوران و حزب جمعیت اسلامی از حکومت خارج شده و خود را احزاب اپوزیسیون تعریف میکنند. اما سیاست و برنامه آنها هیچ تفاوت جدیی با حاکمان قبلی و فعلی اقلیم ندارد. حکومت اساسا در دست دو حزب بارزانی و طالبانی است. مسعود بارزانی از ریاست اقلیم استعفا داده و دو نفر اصلی حکومت از جانب دو حزب نامبرده نیچروان بارزانی و قباد طالبانی هستند. پارلمان کردستان عراق بعد از دوسال تعطیلی به دستور بارزانی، در جریان رفراندوم دوباره دست بکار شد اما بوسیله این دو حزب قرق شده است. ریاست قبلی آن که از گوران بود استعفا داد و اکنون چیزی که اسمش را پارلمان گذاشته اند متشکل از افرادی حلقه بگوش از این احزاب حاکم است و هیچ نقش سیاسی و قانونی جدیی در کردستان عراق ندارد. مردم کردستان عراق به درست آنرا یک مجلس کارتونی مینامند. لازم به تاکید است که خود این دو حزب در حکومت هم عملا در دو جبهه متفاوت قدرتهای منطقه ای قرار دارند. اتحادیه میهنی به چند دسته و گروه تبدیل شده است و دفتر سیاسی آن هم منحل گردیده و خانواده طالبانی در این حزب به دلیل حمایت جمهوری اسلامی و بغداد از آنها فعلا یکه تاز میدان هستند. حزب بارزانی علیرغم انسجام درونیش تحت فشار متحدینی مانند آمریکا و ترکیه قرار دارد. هیچ کدام از این احزاب سیاست روشنی برای آینده ندارند و اینرا با صراحت بیان میکنند. حکومت منطقه ای آنها به تبانی آنها با قدرتهای منطقه ای و جهانی مربوط شده است و هیچکدام از این قدرتها هم آنها را قابل اعتماد نمیدانند. تنها کاری که دولتها با این احزاب انجام میدهند این است که در خدمت سیاست و استراتژی خود آنها را به عنوان مزدور یا مهره قابل استفاده بکار گیرند.

در چنین شرایطی بورژوازی و ناسیونالیسم عرب بیش از پیش در حال تعرض به این احزاب و تحقیر آنها است. مردم در چنین شرایطی نفرتشان از این احزاب بیش از پیش گسترده و تعمیق شده است. ماهیت فاسد و سرکوبگرانه آنها را نمیپذیرند و بی لیاقتی و بی کفایتی آنها را دیده اند و تحمل نمیکنند.

**نسرین رمضانعی:** گفته می شود که حزب گوران (حزب تغییر) و جمعیت اسلامی سازماندهندگان اعتراضات بودند و بعضا شنیده می شود که اعتراضات خود جوش بوده است و توسط مردم معترض صورت گرفته است. مردم در شعاریشان خواهان کناره گیری مسئولین شده اند. واقعیت چیست؟

**محمد آسنگران:** واقعیت این است اعتراضات مردم میلیونی و به وسعت کل جامعه است. اما این دو حزب به عنوان احزاب فرصت طلب تا همین چند روز قبل یک پایشان در حکومت بود و پای دیگرشان در میان معترضین. دلیل اعتراض آنها و همراهی مرد رندی آنها با مردم نه برای تحقق مطالبات بر حق شهروندان، بلکه برای سوار شدن بر اعتراض مردم بود. تا از این طریق بتوانند همانند سال ٢٠١١ نتیجه اعتراض مردم را دستمایه سهم خواهی خود از رقبایشان بکنند. واقعیت این است که مردم از همه این احزاب متنفر هستند و خشم بی پایانی علیه آنها در میان مردم وجود دارد. مردم اعلام کرده اند که این احزاب را نمیخواهند. این حکومت را نمیخواهند. این قوانین و سنت و سیاست تا کنونی را نمیخواهند. مردم خواهان یک زندگی آزاد و مرفه هستند.

**نسرین رمضانعلی:** حضور جمهوری اسلامی در عراق و اقلیم کردستان امر شناخته شده ای است. اخبار و شایعاتی دال بر حضور جمهوری اسلامی در درگیریهای اخیر و حتی دست داشتن در سرکوب اعتراضات در شهر رانیه و اطراف آن وجود دارد. آیا نیروهای جمهوری اسلامی نقشی در در سرکوب اعتراضات داشتند؟ جمهوری اسلامی در کردستان عراق بدنبال چیست و چه سیاستی را در این منطقه دنبال می کند؟

**محمد آسنگران:** حضور و دخالت جمهوری اسلامی در کردستان عراق بویژه در مناطق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی امری غیر قابل انکار است و خود حاکمان و مردم هم اینرا میدانند و دیده اند. اما دخالت جمهوری اسلامی اساسا برای تحکیم حکومت بغداد است زیرا حکومت بغداد متحد اصلی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است. اما برای این کار از راههای مختلفی و با تاکتیکهای متفاوتی تا کنون وارد عمل شده است. یک دوره ای میخواست اتحادیه میهنی را بوسیله اسلامیها تضعیف کند. دوره ای تلاش کرد با کمک به اتحادیه میهنی نیروی نظامی بارزانی را تضعیف کند. دوره ای که اختلافات درونی اتحادیه میهنی بالا گرفت تلاش کرد آنرا حل کند که در رقابت با بارزانی بتوانند وزن بیشتری داشته باشند. دوره ای گوران را در مقابل اتحادیه میهنی تقویت کرد. اکنون بخشی از اتحادیه میهنی (خانواده طالبانی) را تماما با خود همراه کرده و آنها را در کنار حشد شعبی قرار داده است تا بتواند از این طریق هم بارزانی را تضعیف کند و هم کل مناطق اقلیم را چنان متلاشی کند که ناچار بشوند حاکمیت بغداد را بپذیرند. برای این کار در قدم اول اتفاقات ١٦ اکتبر و تصرف کرکوک را خلق کردند و در ادامه در تدارک و زمینه سازی جنگی داخلی در کردستان است. حال این جنگ بین بخشهایی از خود اتحادیه میهنی باشد یا اتحادیه میهنی با بارزانی. تصور نمیکنم جمهوری اسلامی مستقیم در سرکوب اعتراضات شهرهای کردستان نیروی سرکوبگر خودش را بکار گرفته باشد.

اما یک چیز واضح است و یکی از اعضا دفتر سیاسی اتحادیه میهنی به اسم شیخ جعفر که فرمانده لشکر ٧٠ هم هست در مصاحبه ای با صدای آمریکا و تلویزیون روداو اینرا با صراحت اعلام کرده است.

" گروهی در اتحادیه میهنی با حکومت عراق و حشد شعبی قرار داد بسته اند: همچنانکه کرکوک را تحویل آنها دادند میخواهند سلیمانیه و اربیل و دهوک را هم تحویل آنها بدهند. حتی خشونت در تظاهراتها کار این گروه بود نه مردم معترض. از این طریق خواستند بهانه ای درست کنند تا ارتش عراق و حشد شعبی به اسم حفظ امنیت مردم به استان سلیمانیه و کل کردستان لشکر کشی کنند... این پلان و برنامه مردم نبود. زیرا ما میدانیم مردم و جوانانی که جیب شان خالی است و مطالباتی دارند، مطالباتشان بر حق است. مردم این سیاست خشونت را نداشتند. مردم عادی ناراضی نه دو هزار و پنج هزار بلکه صدها هزار نفر هستند. بنابر این اگر این برنامه مردم میبود هیچ نیرویی نمیتوانست در مقابل آنها مقاومت کند. در حزب اتحادیه میهنی جهتی و کسانی جود دارند و چند دولت منطقه هم از این سیاست حمایت میکنند که میخواهند ارتش عراق و حشد شعبی را به سلیمانیه و اربیل و دهوک بیاورند و همان طرح تسلیم کرکوک را تکرار کنند."

این گفته ها هم واقعی است و هم نقش جمهوری اسلامی را بیان میکند.

**نسرین رمضانعلی :** مردم چگونه می توانند دست درازی حکومت ایران را به این منطقه را خنثی کنند؟

**محمد آسنگران:** مردم کردستان عراق مدت کوتاهی در اوایل دهه نود میلادی شوراها و حاکمیت خودشان را در ابعادی محدود تجربه کردند. آن دوره توهم به ناسیونالیسم کرد و احزاب آن باعث شد که آن تجربه حاکمیت شورایی گسترش پیدا نکند و شکست بخورد. اکنون با تجربه شکست خورده حکومت فدرالیستی احزاب ناسیونالیست و اسلامی کردستان و ماهیت فاسد و جنایتکارانه آنها هیچ کس از مردم آزادیخواه کردستان توهمی به هیچکدام از آنها ندارد. بنابر این مردم برای خلاصی از این احزاب و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و مرفه و برابر، تنها یک راه در پیش دارند و آن برقراری حاکمیت خود از طریق شوراهای مردمی است. حکومت اقلیم کردستان و احزاب تشکیل دهنده آن تا مغز استخوان فاسد و جنایتکار هستند. اولین سرکرده آنها طالبانی بود که با مشکوک نامیدن شوراها و تشکل های کارگری عاقبت با خفت و سرگردانی سیاسی مرد. بارزانی هم با شکست طرح و برنامه هایش ناچار به استعفا شد. اکنون نوبت مردم است که حاکمیت مستقیم خودشان را بر ویرانه های حاکمیت احزاب "کردی" تجربه کنند.